

یکپارچه همه مظاهر فرهنگی خوش یا نفی هر نوع اعتقاد روحانی باید بر آزادی فکر و استقلال رأی و برابری حقوق همه آدمیان تکیه نماییم و دگرگونی و تنوع ادیان، آراء و عقاید را ارج بگذاریم و بکوشیم که از تنگنای ناشکیبایی مذهبی که ضد خدا و خلق است به فضای باز تحریر و یگانگی رونماییم.

بخش جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، کارتون کالیج، مینسوتا

عزت‌السادات گوشه‌گیر

جزیره سرگردانی

نوشته: سیمین دانشور

چاپ اول: شهریور ۱۳۷۲، تهران

انتشارات خوارزمی

نگاهی به جزیره سرگردانی

تنهایی راز دانایی است.

گفته

کتاب جزیره سرگردانی با خوابی کابوس‌گونه از حال و هوای جنگ، پیش از صبح صادق، شروع می‌شود و با خوابی دلپذیر درباره عشق، بعد از صبح صادق، تمام می‌شود. در هر دو خواب از کلیدی صحبت می‌شود. در خواب اولیه وقتی که هستی بیننده خواب در اوج تشنگی می‌خواهد از چاهی آب بنوشد، صدایی می‌گوید: «آنها که کلید را داشتند، همه‌شان گم و گور شدند.» (جزیره سرگردانی، ص ۶) و در خواب پایانی، وی که بر زین بادپای اسب قره‌قاشقا سوار است، کلید طلایی عظیمی در دست دارد، و به صدای قره‌قاشقا گوش می‌دهد که می‌گوید: «این کلید به همه قفلها می‌خورد» (ص ۲۲۵).

شاید رمز کلید خواب اولیه در پایان جلد دوم یا سوم جزیره سرگردانی که هنوز چاپ آن در دسترس ما نیست گشوده شود، چرا که مکان، زمان و فضای خواب نمودار

سالهای بعد از جنگ ایران و عراق است و مفاهیم آن گشاینده هیچ رازی در سیر جلد اول رمان نیست. و خواننده اگر نداند که رمان جلد یا جلدهای دیگری هم به دنبال دارد، کاملاً در ارتباط مفاهیم کتاب معلق می ماند. هر چند سالهای انقلاب و جنگ را هم تجربه کرده باشد. اما خواب دوم آغاز زندگی جدید «آدم و حوا» (ص ۳۲۵) زمانه‌ای را نوید می دهد که در جزیره سرگردانی به دنبال راهی برای زیستن فلسفی، اجتماعی، سیاسی و عاطفی شان می گردند. نسل که در سالهای ۱۳۵۰ به بعد به تغییرات زیربنایی و روبنایی جامعه می اندیشد و به عبارتی بنا به ضرورت تاریخی انقلابی می اندیشد و به عبارتی به قول هستی، این «سیاست است که دست از سرش بر نمی دارد» (ص ۳۱۸).

هستی بنا بر شرایط زندگی درونی و محیطی و همچنین طبیعت زنانه اش، در سیر جستجوگرانه فلسفی اش، نیروی آفرینش، زاینده‌گی و آزادی را عشق می داند. و سلیم که به عنوان «آدم» نسل جدید معرفی می شود، تفکراتش آمیخته‌ای است از دیدگاههای مذهبی - عرفانی و علمی و در نهایت، وی پیرو اندیشه‌های علی شریعتی است با تأثیرپذیری از جلال آل احمد.

نویسنده هر چند به دیدگاههای سایر جوانان روشنفکر و اغلب چپگرا نگاهی گذرا می اندازد، اما از همان ابتدا در مقابل آنها موضع مثبتی نشان نمی دهد و با انتقادات خود از آنان بالطبع خواننده را با آنان همسو نمی کند. جوهر کلام این که نویسنده شخصیتهای مورد علاقه اش را انتخاب می کند.

سیمین دانشور در شخصیت سازی این آدم و حوا، زندگی درونی سلیم را در هاله‌ای از ابهام و روحانیت قرار داده و دنیای ذهنی وی را در مسیر عمومی داستان و در قالب ماجراها و کشمکشها برملا نمی کند. گویی چه به عنوان سیمین دانشور نویسنده در قالب راوی و چه سیمین دانشور به عنوان شخصیت نویسنده در رمان نمی خواهد دید سستی و گاه عقب‌گرایی سلیم را نسبت به مسائلی از جمله مسأله زن در ارتباط با نقش اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی اش به انتقاد بکشد.

تضادهای درونی زنان از هستی تا مادر بزرگ و تا عشرت به خوبی به تصویر کشیده می شود. به ویژه، این جدال همیشگی با خود در خلوت برای پیدا کردن هویت واقعی، ابعاد وسیع و پیچیده زنان را برملا می کند، اما مردان از این جستجو و کندوکاو بری می مانند.

سیمین دانشور رابطه سه نسل زن را در سه مقطع تاریخی نشان می دهد. مادر بزرگ - خانم نوریان به اصالتهای سنتی، فکری و عاطفی دوره مصدق متعلق است. مادر -

نقد

هفتم

سال

ول

کر و

کامراه و

کره خلق

ی

باطم

سرتا

جام

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

نس

عشرت نمایانگر دوره بی‌ریشگی سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا اوایل انقلاب است که هویت خدشه‌دار شده است. سیمین دانشور رفتارهای اجتماعی این گروه نوکیسه را در ارتباط با هویت فرهنگی‌شان این‌گونه تفسیر می‌کند: «عقدۀ حقارت و غریب‌زدگی و ارضای آن به وسیله شرق‌زدگی» (ص ۱۳۵). این مقطع تاریخی یعنی گذار از مرحله زندگی سنتی به مرحله آشنایی با مظاهر غرب مرحله پیچیده‌ای است که تنها بر ابعادی چند از آن انگشت گذاشته شده است.

هستی - دختر، نسلی است که بین دو شیوه فرهنگی، دو طبقه اجتماعی و دو نوع طرز تفکر متفاوت، سرگردان مانده است. این دوران، دوران رشد تضادهاست. پدیده‌های این دوره امکان پیدا کرده‌اند که اندکی عریان شوند. تحولات اجتماعی و فرهنگی خواه ناخواه بر تفکرات نسل جوان اثر گذاشته‌اند. و آنان را به مرحله جدیدی از مناسبات، ارتباطات و پدیده‌ها آشنا ساخته‌اند. این آشنایی ناقص، یعنی از پنجره‌ای نیمه‌باز به نقوش محو دور نظاره کردن، تضادهای پیچیده‌ای را در این نسل باعث شده است که نتیجه آن سرگردانی فلسفی، اجتماعی و روحی اوست.

به مفهوم «سرگردانی» و «جزیره سرگردانی» چند بار در طول کتاب اشاره شده است:

- ۱- سرگردانی رابطه هستی و سلیم در بدو دیدارشان (ص ۲۸).
- ۲- تشریح جزیره نمک در کویر توسط «کراسلی» و رابطه‌اش با زندانیان سیاسی (ص ۲۰۱ و ۲۰۲).
- ۳- سرگردانی احساسی-عاطفی هستی نسبت به رفتارهای مادرش و سرگردانی فلسفی هستی نسبت به اصل و اساس موجودیت (ص ۲۵۵ و ۲۷۵).
- ۴- سرگردانی فلسفی فرخنده و مناظره‌اش با سیمین دانشور، که سیمین دانشور گوشزد می‌کند: «آدمیزاد درخت یقظین است، درخت روشنگری و بیداری» (ص ۲۶۸).

۵- تفسیر سرگردانی از دید مراد که راه‌هایی را «از سردمداری غرب خارج شدن» می‌داند (ص ۳۲۵).

سیمین دانشور که با وارد کردن شخصیت واقعی‌اش در چارچوب رمان، به خود حضوری مقتدر، هشیار، اندیشمند، استادانه و مادرانه داده، سعی می‌کند گاه‌گاه خودش را از دید شخصیتها بیان کند، در عین حال می‌خواهد خود واقعی‌اش را از دید خودش به خوانندگان بشناساند. احتمالاً ممکن است خواننده آنرا حمل بر خودستایی نویسنده

این تفاسیر در کلیت رمان شکلی پیدا می‌کند که هرچند «در واقعیت ارضای شرق‌زدگی شخصیتها برای سرپوش بر حقارت باشد»، اما گویی اختصاص دادن صفحات فراوان به مسأله هفت‌سین و مفهوم عید نوروز، به کار تفسیری توریستی می‌دهد برای جلب خواننده بین‌المللی. چرا که همچون رمان سووشون، استفاده از رنگ، بو، طعم و زیباییهای طبیعی تصویری، حسهای چندگانه خواننده را به حرکت وامی‌دارد.

زبان بسیار روان سیمین دانشور، استخوان‌بندی رمان و شخصیت‌پردازیها و حوادث و کشمکشهای درونی و بیرونی خواننده را به راحتی تا پایان کتاب رهبری می‌کند. خواننده می‌خواهد روابط پیچیده‌ای را که در طبقات مختلف اجتماعی خلق شده کشف کند و در آگاهی به سرنوشت شخصیتها سهیم باشد. تحلیل زنانه زنان در گوش‌ایستادن، کنجکاوهای زنانه، تشریح ریزه‌کاریها، نکته‌بینیها، کشف راز و رمزها، و خاله‌زنک‌بازیهای مهرماه و ایران خانم، رمان را به زندگی واقعی قشر وسیعتری از زنان بسیار نزدیک کرده است. هرچند گاه نوشته رقیق می‌شود و گاه به‌دام ریزه‌کاریها و خرده‌اندیشیها و دید «سوپاپرای» می‌افتد، اما شاید همین شکل نگارش خوانندگان بسیاری را به‌مواردی فراتر از پوسته سطحی هدایت کند.

و اما یکی از زیباترین مونولوگ‌های کتاب، تنهایی مادر بزرگ است (ص ۹۵ تا ۱۱۲) و در این جاست که «راز دانایی» مفهوم پیدا می‌کند. چرا که به‌قول شوینهاور گاه در تحلیلهای تنهاییست که آدم به درکی حقیقی‌تر از خود می‌رسد.

... و وقتی تمام بدن در حال آرامش است، مغز غلط می‌کند مضطرب شود. سردلم هم غلط می‌کند به‌شور و جوش بیفتند. بی‌خود به‌بچه‌اکم هستی نق زدم. اما چکنم دست خودم نیست. آدمیزاد هزار جور حالت دارد. دلم نمی‌خواست عیدم این جور سوت و کور باشد. هرچند هستی از قول گوته گفته باشد که تنهایی راز دانایی است (ص ۹۶).

زبان طنز سیمین دانشور، طنزی تلخ و ویژه بعد از شرایط انقلاب و جنگ است. معمولاً زبان طنز در نوشته‌های زنان کمتر مورد استفاده قرار گرفته شده است. در فرهنگی که اخلاق و سنتهای تلطیف‌نشده مذهبی پایه و اساس رفتارهای انسانی را پی‌ریزی کرده، به‌کارگیری زبان طنز مهارتی فوق‌العاده می‌خواهد. این زبان طنز احتیاج به زمان دارد تا در تجربه صیقل و شفافیت بیابد.